

Chambre D'accusation هیئت اتهامیه

در حقوق جزائی فرانسه

(قانون اصول محاکمات جزائی ماده ۲۳۰)

در صورتیکه متهم در دسته اشخاصی باشد که مواد ۴۷۹ و ۴۸۳ قانون اصول محاکمات و ماده ۱۰ قانون ۳۰ آوریل ۱۸۱۰ پیش بینی کرده است تعقیب آنها بایستی بوسیله مدعی العموم استیناف بعمل آید بنابراین وقتی که دادگاه اتهامیه تشخیص داد که امر جنائی نیست دیگر راجع باینکه آیا امر جنحه است یا نه دخالت نمی نماید - اگر دادگاه اتهامیه دلائل اتهام جنائتی را کافی دید دستور میدهد که متهم را بدیوان جنائتی جلب نمایند (قانون اصول محاکمات جزائی ماده ۲۳۱ و ۲۳۲)

۲ - وظایف دادگاه اتهامیه وقتیکه پرونده

از جهت اعتراضی که شده است مراجعه شده

۹ - بموقع تقدیم شدن اعتراض - دادگاه اتهامیه وقتی با اعتراض ترتیب اثر میدهد که در مدت قانونی تقدیم و با تشریفات که قانون مقرر داشته تنظیم شده باشد بنابراین اولین عملی که دادگاه اتهامیه در این خصوص مینماید این است که ملاحظه کند آیا عرض حال اعتراض قابل پذیرفتن میباشد یا خیر.

۱۰ - رسیدگی بماهیت اعتراض - وقتی که تشخیص شد اعتراض قابل پذیرفتن است دادگاه ملاحظه میکند قراری که با و احاله شده است چه نقص هائی را در بردارد و دستور رفع آنرا میدهد

۱۱ - رد اعتراض مدعی خصوصی - وقتیکه مدعی

۷ - رسیدگی بکارها - هیئت اتهامیه موظف بر رسیدگی تمام قضائاتی است که راجع بآن تحقیقات شده است و یا موضوعاتی که قاضی تحقیق فراموش کرده است تحقیقات نماید هیئت اتهامیه میتواند بغیر از موردی که مدعی العموم تقاضا می نماید عنوان جرم را تغییر دهند - بالاخره .

۸ - رسیدگی بعناوین جرم - هیئت اتهامیه بررسی میکند که جرائمی که نسبت داده شده وارد است یا خیر و تمام عناصر جرم را که جنایت جنحه یا خلاف را تشکیل میدهد زیر نظر قرار میدهد مخصوصاً مسائلی که مربوط بقصد متهم میباشد اگر ملاحظه نمود که جرمی طبق قانون واقع نشده و یا اینکه قرائن کافی برای وقوع جرم پیدا نکرد عدم تعقیب قضیه را اعلام داشته و امر با آزادی متهم میدهد و اگر متهم بعلت دیگری در توقیف نباشد فوراً دستور مزبور اجرا میگردد (قانون اصول محاکمات جزائی ماده ۲۲۹) اگر هیئت اتهامیه ملاحظه کنند که امر خلافی است یا جنحه صغیر است قرار صادر مینماید که دادگاه صالحه بآن امر رسیدگی کند - اگر متهم در توقیف باشد - اگر متهمی که بایستی بدادگاه خلاف یا جنحه هدایت شود در توقیف باشد قرار توقیف صادره بقوت خود باقی میماند بدون اینکه هیئت اتهامیه در این باب دخالت نماید ولی در صورتیکه مجازات جنحه که بمنهم نسبت داده شده فقط جریمه نقدی باشد و یا اینکه مجازات مقرر کمتر از دو سال باشد در موقعی که متهم بدادگاه خلاف مثلاً فرستاده میشود آزاد میگردد

ارجاع شده است رسیدگی مینماید اگر چه بعضی از قسمت‌ها در قرار قاضی تحقیق ذکر نشده باشد اگر تحقیقات در بعضی قسمت‌ها ناقص باشد و در صورتیکه دادگاه مقتضی بداند که قبل از صدور قرار خود مناسب است که تحقیقات اضافی بعمل آید طبق ماده ۲۲۸ دستور صادر مینماید در این مورد مفاد ماده ۲۳۵ اجرا نمیشود برعکس در موارد ذیل جای اعمال ماده ۲۳۵ میباشد:

اولاً در صورتیکه طبق ماده ۱۳۳ یا ۱۳۵ راجع به بعضی از اشخاص که در جرم دخالت داشته اند ولی کار از نظر آنها به دادگاه مراجعه نشده دخالت مینماید.

ثانیاً وقتیکه مقتضی بداند راجع به امری شخصاً دادگاه تحقیقات کند و همان کار در تحت تعقیب قاضی تحقیق قرار گرفته است.

ثالثاً در صورتیکه تحقیقاتی راجع به جرمی نشده باشد ولی در ضمن انجام وظیفه دادگاه اتهامیه بجرم مزبور برخورد نماید و مقتضی بداند که راجع به جرم مزبور تحقیقات بعمل آید.

پس از توضیح این مطلب باید دید تحت چه شرایطی دادگاه اتهامیه از حق رجوع کار و دادن دستور تحقیقات میتواند استفاده کند بایستی در وهله اول دادگاه طبق تشریفات قانونی مرجع رسیدگی واقع شده باشد اگر این شرط مراعات نشود بایستی هیئت عمومی شعب استیناف طبق ماده ۱۱ قانون ۳۰ آوریل ۱۸۱۰ دستور تحقیقات صادر کنند و در وهله ثانی بایستی راجع به آن اتهام قضاوت نکرده باشد والا ثانیاً نمیتواند داخل عمل شود.

و الا ثانیاً نمیتواند داخل عمل شود.

خصوصی در اعتراضی که به قرار منع تعقیب کرده است بی حق تشخیص گردید بایستی طبق ماده ۱۳۶ قانون اصول محاکمات جزائی در برابر متهم محکوم بخسارات وارده گردد اگر چه متهم تقاضائی هم در این باب نکرده باشد در این مقام نقض مهتی بر این قاعده وارد آمده است « قاضی نمیتواند در مسائلی که تقاضائی از او نشده حکومت کند » مواد ۱۳۵ و ۱۳۶ يك حق استثنائی برای مدعی خصوصی قائل شده و آن اینست که مدعی خصوصی طبق ماده ۱۳۵ در حقیقت اعمال جنبه عمومی جرم را مینماید با وجود اینکه قاعده در بین است که مدعی خصوصی نمیتواند جز منافع خصوصی خود امری را تعقیب کند در این موضوع اعتراضی بر قرار منع تعقیب در واقع بمقیب جنبه عمومی جرم است برای اینکه این استثناء از حد خود تجاوز نکند ماده ۱۳۶ به دادگاه اتهامیه اجازه داده است در صورتی که دعوی مدعی خصوصی بدون سبب خاصی یا دلائل صحیحی باشد مدعی خصوصی را محکوم نماید اما اگر دادگاه فراموش کرد مدعی خصوصی را محکوم نماید مدعی العموم استیناف در این خصوص حقی ندارد

۱۲ حق رجوع کار و دستور تحقیقات - در شماره

۶ فوقاً گفتیم که دادگاه اتهامیه حق دارد نواقص کار را تکمیل نماید ولی حقوق و اختیاراتش محدود به این مسئله نیست ماده ۲۳۵ چنین میگوید که در دادگاه اتهامیه حق دارد راساً یا بوسیله قضات بدوی تحقیقاتی را شروع نموده یا دستور دهد اوراق و مدارکی را از نظر دادگاه بگذرانند بنابراین اگر دادگاه اتهامیه راجع به اموری که تحقیقات بعمل آمده است و متهم مخصوصی دارد داخل رسیدگی شد.

اختیاراتش در ماده ۲۲۹ و ۲۳۰ و ۲۳۱ پیش

بینی و ذکر کرده است و راجع به تمام جزئیات امری که